


نوع مقاله: پژوهشی

بررسی تطبیقی نقد نسخه‌شناسی عهد جدید و قرآن کریم

سیدعلی مرکبی / طلبه سطح ۴ حوزه علمیه خراسان

Sa.morakkabi@gmail.com

 orcid.org/0000-0001-5310-723X

دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۷ - پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۰۴

چکیده

با توجه به جایگاه محوری متون مقدس در دو دین اسلام و مسیحیت، ضروری است که مطالعاتی همه‌جانبه دربارهٔ متون مقدس این دو دین بزرگ صورت پذیرد. در این راستا، مطالعات تطبیقی جایگاه ویژه‌ای در تبیین این امر خواهند داشت. این پژوهش با روش تحلیلی - توصیفی و انتقادی به بررسی نسخه‌های خطی عهد جدید و قرآن کریم پرداخته و به دنبال بررسی تطبیقی اعتبار و وثاقت این دو متن از منظر نقد نسخه‌شناسی است. بررسی قدیمی‌ترین نسخه‌های خطی عهد جدید حاکی از آن است که عهد جدید دستخوش تغییراتی توسط نسخه‌برداران شده و این تغییرات صرفاً ناشی از خطای نسخه‌برداران نبوده است و در برخی موارد، این متون به سبب تأکید بر آموزه‌های الهیاتی مورد اختلاف مسیحیان نخستین دستخوش تغییراتی شده‌اند. از طرفی، اختلاف بسیار اندکی در میان نسخه‌های خطی قرآن کریم به چشم می‌خورد و اگر بخواهیم عهد جدید و قرآن را صرفاً از حیث وثاقت نسخه‌های خطی آنها بررسی کنیم، نسخه‌برداران قرآن توجه و اهتمام بسیار بیشتری برای حفظ این کتاب داشته‌اند؛ حال آنکه نسخه‌برداران عهد جدید در بسیاری از موارد، متن را آزادانه تغییر داده‌اند.

کلیدواژه‌ها: قرآن، کتاب مقدس، عهد جدید، نسخه‌شناسی، تحریف، اعتبار.

یکی از مهم‌ترین مطالعات رایج درباره کتاب مقدس مسیحیان و بالخصوص عهد جدید، بحث و بررسی در مورد نسخه‌های خطی آن و تغییراتی است که طی فرایند استنساخ به این متون وارد شده‌اند؛ چیزی که از آن با عنوان «نقد نسخه‌شناسی» (Textual Criticism) یاد شده و در این سال‌ها توجه بسیاری از محققان را به خود جلب کرده است و نتایجی که از آن به‌دست آمده، اعتقاد سنتی کلیسا مبنی بر وحیانی بودن کلمه‌به‌کلمه کتاب مقدس را با چالش مواجه کرده است و امروزه بسیاری از مسیحیان، به‌خصوص محققان مسیحی، بر این امر اتفاق نظر دارند که متن عهد جدید در فقرات بسیاری دستخوش تغییراتی عمدی شده و در طول تاریخ تغییر یافته است و این تغییرات تا به‌اندازه‌ای است که امروزه در برخی بخش‌های عهد جدید نمی‌توان آنچه نویسندگان اصلی این کتاب به‌نگارش درآورده‌اند را بازآفرینی کرد و درباره آن سخن گفت.

از طرفی، هم‌زمان با مطرح شدن این اشکالات درباره عهد جدید، بسیاری به‌دنبال طرح مسائلی مشابه در مورد قرآن کریم برآمدند. از همین‌رو مسیحیان و برخی مستشرقان به‌دنبال اثبات این ادعا بودند که اگر عهد جدید دچار چنین مشکلی است، قرآن کریم نیز مستثنا نیست و همان اشکالاتی که به عهد جدید وارد است، به قرآن کریم نیز وارد خواهد بود و از این حیث نمی‌توان این امر را برتری قرآن کریم بر عهد جدید دانست. هم‌زمان با این ادعاها، کشف نسخه‌های خطی پالمپسیستی قرآنی در صنعا و وجود اختلافاتی در میان متن لایه زیرین آن با قرآن امروزی، باعث شد که محققان مسیحی به‌صورت جدی‌تری به مطالعات نسخه‌شناسی نقادانه قرآن کریم ورود کنند تا همان‌گونه که اعتقاد سنتی کلیسا درباره وثاقت متنی عهد جدید مورد بازبینی کلیسا قرار گرفته، ادعای مشابهی را درباره قرآن کریم نیز مطرح کنند و به این شکل در وحیانی بودن کلمه‌به‌کلمه قرآن کریم خدشه وارد کنند.

روش پژوهش در این نوشتار به‌صورت تحقیق کتابخانه‌ای بوده و تا جای ممکن به نمایه‌های اینترنتی که در بردارنده تصاویر نسخه‌های خطی مورد بحث بوده‌اند، جهت اعتبارسنجی مراجعه شده است.

گرچه مقالات و کتاب‌های متعددی درخصوص نقد نسخه‌شناسی عهد جدید در زبان انگلیسی به‌نگارش درآمده و نگارنده نیز مقاله‌ای فارسی در سال ۱۳۹۵ با عنوان «نقد متنی عهد جدید» در فصلنامه تخصصی کلام و ادیان منتشر کرده است، اما باید دانست که مستشرقان به‌تازگی به بررسی نقد نسخه‌شناسی قرآن کریم روی آورده‌اند و بدین دلیل این مطالعات را می‌توان مطالعاتی نوپا قلمداد کرد و طبق ادعای کیت اسمال (Keith Small)، نویسنده کتاب نقد نسخه‌شناسی و نسخه‌های قرآن (Textual Criticism and Qur'an Manuscripts)، این کتاب را که در سال ۲۰۱۱ به‌نگارش درآمده است، می‌توان اولین کتابی دانست که به‌صورت جدی به نقد نسخه‌شناسی قرآن کریم پرداخته است.

در این میان، آنچه تاکنون به آن پرداخته نشده است و اهمیت این بحث را روشن می‌کند، بررسی تطبیقی نقد نسخه‌شناسی عهد جدید و قرآن کریم است که در این مقاله به آن خواهیم پرداخت. آنچه ضرورت این بحث را

دوچندان می‌کند، گمانه‌زنی‌های ناصوابی است که از طرف برخی مستشرقان دربارهٔ نسخه‌شناسی قرآن کریم بیان شده و نیازمند پاسخگویی است.

۱. تعریف نقد نسخه‌شناسی

نقد نسخه‌شناسی «دانش و هنری است که سعی در مشخص نمودن موثق‌ترین قرائت یک متن دارد» (وگنر، ۲۰۰۶، ص ۲۴)؛ به عبارتی دیگر، نقد نسخه‌شناسی به دنبال دستیابی به قدیمی‌ترین و قابل اعتمادترین قرائت از یک متن، به بررسی نسخه‌های خطی متفاوت آن می‌پردازد و در تلاش است تا با کشف و اصلاح خطاهایی که طی نسخه‌برداری از متون باستانی وارد این متون شده، نسخه‌ای خالص و پیراسته از آنچه توسط نسخه‌برداران به متن وارد شده است، ارائه کند و از این رو باید گفت که این قبیل مطالعات، از جهت رتبی، بر مطالعات محتوایی تقدم دارند؛ زیرا پیش از ورود به بحث و مطالعه در خصوص محتوای یک متن، باید از صحت آن اطمینان حاصل کرد؛ سپس به بررسی محتوای متن پرداخت و از این جهت است که از نقد نسخه‌شناسی، گاهی با عنوان «نقد پیشین» (Lower Criticism) نیز یاد می‌شود.

۲. نقد نسخه‌شناسی و عهد جدید

از اولین مطالعات نقد نسخه‌شناسی بر نسخه‌های خطی کتاب مقدس می‌توان به نسخهٔ تهیه‌شده توسط *استیفانوس* (Stephanus) در سال ۱۵۵۰م اشاره کرد. او برای تهیهٔ اثر خود به بررسی نسخه‌هایی از کتاب مقدس که در دست داشته است، می‌پردازد و تفاوت‌های موجود در این نسخه‌ها را در حاشیهٔ متن مقدس یادداشت و آن را منتشر می‌کند (ارمن، ۲۰۰۵، ص ۱۵۳) و این در حالی است که *استیفانوس* در آن زمان، تنها به چهارده نسخهٔ خطی از کتاب مقدس دسترسی داشته است و دیگر نسخه‌هایی که ما امروزه در دست داریم، در آن زمان کشف نشده بودند (همان، ص ۱۵۳). بعد از این اثر، می‌توان از *ریچارد سلیمون* (Richard Simon) یاد کرد که در سال ۱۶۸۹ کتابی با عنوان *تاریخ نقادانهٔ متن عهد جدید* (Critical History of the Text of the New Testament) منتشر می‌کند. *سلیمون* در این کتاب به دنبال این بوده است که اثبات کند متن عهد جدید در برخی بخش‌ها قابل اعتماد نیست و دستخوش تغییراتی قرار گرفته است. از جمله فقراتی که *سلیمون* بررسی می‌کند، می‌توان به دوازده آیهٔ آخر انجیل مرقس، روایت زنی که مرتکب زنا شده بود، و نیز شهادت آسمانی (که در اثبات تثلیث سخن می‌گوید) اشاره کرد (همان، ص ۱۰۲) که در نگاه او، این فقرات از عهد جدید آیاتی جعلی‌اند که در قدیمی‌ترین نسخه‌های خطی عهد جدید وجود نداشته و بعدها به متن کتاب مقدس افزوده شده‌اند.

شخص دیگری که می‌توان از او نام برد، محقق *به‌نام جان میل* (John Mill) است که در سال ۱۷۰۷ با انتشار نسخه‌ای انتقادی از عهد جدید، تأثیری عمیق بر مطالعات نقد نسخه‌شناسی عهد جدید گذاشت و محققان عهد جدید را بر آن داشت تا به‌صورتی جدی بر روی این موضوع سرمایه‌گذاری کنند. کتاب او به بیان اختلافات

موجود میان نسخه‌های یونانی کتاب مقدس می‌پردازد و نتیجه‌سی سال مطالعه او بر روی این نسخه‌هاست. او با استفاده از نتیجه تحقیقات/استیفانوس و با بررسی حدود صد نسخه یونانی عهد جدید و نیز نگاشته‌هایی از آبا‌ی کلیسا که دربردارنده عبارات عهد جدید بوده‌اند، بررسی دقیقی برای کشف اختلافات موجود میان این نسخه‌ها صورت می‌دهد و نهایتاً با انتشار نسخه انتقادی خود، به سی هزار اختلاف میان نسخه‌های عهد جدید اشاره می‌کند. البته باید دانست که او از بیان اختلافات جزئی در میان نسخه‌ها خودداری کرده است و از این رو این سی هزار اختلاف، بیشتر حاکی از اختلافاتی جدی و قابل تأمل میان نسخه‌های عهد جدید بوده‌اند (ارمن، ۲۰۰۵، ص ۸۴).

با گذر زمان، هر ساله نسخه‌های خطی بسیاری کشف می‌شود و این امر زمینه را برای تطبیق این نسخه‌ها با آنچه امروزه به‌عنوان کتاب مقدس مسیحیان به حساب می‌آید، فراهم می‌سازد و چنان که بیان شد، جان میل تنها حدود صد نسخه خطی یونانی از کتاب مقدس در دست داشته و تمام سی هزار اختلافی که از آن سخن می‌گوید، در میان این صد نسخه بوده است. این در حالی است که امروزه تعداد نسخه‌هایی که از عهد جدید در دست داریم، بالغ بر ۲۴۰۰۰ نسخه خطی است (بومن، ۲۰۱۱، <http://irr.org/todays-bible-real-bible>) و این بدان معناست که با بررسی این نسخه‌ها، قطعاً اختلافات بیشتری را در میان نسخه‌های خطی عهد جدید کشف خواهیم کرد.

۲-۱. اختلاف نسخه‌های عهد جدید و تأثیرات الهیاتی آن

برخلاف تفکری که امروزه در حلقه‌های لیبرال و نئوآرتدکسی مسیحی وجود دارد، اعتقاد به خطاناپذیری کتاب مقدس سنتی کهن در میان مسیحیان بوده است و ایمان‌داران مسیحی از دیرباز کتاب مقدس خود را عاری از هر خطایی می‌دانسته‌اند و این اعتقادی است که می‌توان آن را در کلام آگوستین (Augustine)، آکویناس (Aquinas)، اسکاتوس (Scotus)، جان ویکلیف (John Wycliffe)، لوتر (Luther) و کالون (Calvin) نیز مشاهده کرد (آکین، ۲۰۰۷، ص ۱۲۰). برای مثال، کالون درباره کتاب مقدس معتقد است: «کتاب مقدس از جانب خداوند به ما رسیده است و هیچ چیزی از انسان با آن آمیخته نشده است» (بلاش، ۲۰۰۵، ص ۸۶). چنین اعتقادی را حتی امروزه نیز می‌توان در میان مسیحیان مشاهده کرد، اما سؤال ما این است که آیا چنین اعتقادی صحیح است؟ برای پاسخ به این سؤال می‌توان به داستان زندگی علمی محقق با نام جان جیکاب ویتستین (Johann Jakob Wettstein) اشاره کرد.

۲-۲. ویتستین و آیات اثبات‌کننده تثلیث در عهدین

در مطالعات مربوط به نسخه‌شناسی کتاب مقدس مسیحیان، جان ویتستین یکی از جنجال‌برانگیزترین شخصیت‌های قرن هجدهم است. او در بیست‌سالگی خود، در سال ۱۷۱۳م، اثری با عنوان *قرائت‌های متفاوت متن عهد جدید* (The Variety of Readings in the Text of the New Testament) به دانشگاه باسل

ارائه می‌دهد و در آن بیان می‌کند که اختلاف نسخه‌های موجود در کتاب مقدس نمی‌تواند نقطه‌ضعفی برای این کتاب شمرده شود و این تغییرات، به محتوا و تعالیم کتاب مقدس خدشه‌ای وارد نمی‌کند؛ چراکه خداوند می‌بایست هر آنچه برای تعالی بشر مورد نیاز بوده است، در کتابی یک بار و برای همیشه به بشر ارائه می‌کرد و از همین رو نمی‌توان تصور کرد که خطا و تغییری در این کتاب وارد شده باشد (ارمن، ۲۰۰۵، ص ۱۱۲).

ویتستین دو سال بعد به انگلیس سفر می‌کند و در آنجا به مطالعه نسخه‌*الکساندریانوس* می‌پردازد و با عبارتی مواجه می‌شود که بسیار او را شگفت‌زده می‌کند: اول تیموتائوس ۳: ۱۶؛ آیه‌ای که عموماً مسیحیان به‌عنوان دلیلی بر اثبات الوهیت عیسی علیه السلام بدان استناد می‌کرده‌اند؛ چراکه در این آیه از عیسی علیه السلام با عنوان «خدا» یاد شده است و مسیحیان استعمال این لفظ برای عیسی علیه السلام را دلیلی بر اثبات الوهیت او در متن کتاب مقدس به‌شمار می‌آورده‌اند.

اما براساس مشاهدات ویتستین در این نسخه خطی قدیمی، عیسی علیه السلام با ضمیر «او» خطاب شده است؛ حال آنکه در نسخه‌های متأخر، کلمه «او» به کلمه «خدا» تغییر یافته و نهایتاً آیه به این صورت در میان مردم رواج یافته است: «و بالاجماع سر دینداری عظیم است، که خدا در جسم ظاهر شد».

ویتستین که شاید خود بارها برای اثبات تثلیث و الوهیت عیسی علیه السلام به این آیه استناد کرده بود، با مشاهده این نسخه قدیمی متوجه می‌شود که آنچه به‌عنوان متن کتاب مقدس میان مردم رواج دارد و حتی برای اثبات الوهیت عیسی علیه السلام از آن استفاده می‌شود، نادرست است و در این آیه، به‌جای کلمه «خدا» می‌باید از کلمه «او» استفاده شود که در این صورت، آیه یادشده دیگر اشاره‌ای به الوهیت عیسی علیه السلام نخواهد داشت.

پس از این مشاهده، ویتستین به تحقیقات خود ادامه می‌دهد و آیاتی را هم که در اثبات الوهیت عیسی علیه السلام در کتاب مقدس مسیحیان وجود داشته است، بررسی می‌کند و متوجه می‌شود که این آیات نیز عموماً از جهت نسخه‌شناسی با مشکل مواجه بوده‌اند و قرائت صحیح این آیات، دلالتی بر الوهیت عیسی علیه السلام نداشته است (همان، ص ۱۱۳).

۲-۳. اسحاق نیوتون و تثلیث

شخص دیگری که درخصوص نقد نسخه‌شناسی عهد جدید یافته‌های قابل توجهی داشته است و بسیاری او را می‌شناسند، اسحاق نیوتون (Isaac Newton) است؛ دانشمندی پرآوازه که به‌عنوان کاشف جاذبه زمین شناخته شده است و همه ما پیش از این در مورد اکتشافات علمی او شنیده‌ایم، اما زندگی اسحاق نیوتون زوایای پنهانی نیز داشته است که چندان بیان نمی‌شود. برای مثال، وی صرفاً به‌دنبال مطالعه در زمینه علوم تجربی نبوده، بلکه به‌عنوان ایمان‌داری مسیحی تلاش او این بوده است که از رهگذر تحقیقات علمی به نگاهی جامع درخصوص نظام کلی جهان برسد و به این سبب به بررسی طیف گسترده‌ای از موضوعات علمی و الهیاتی پرداخته است.

جالب اینجاست که گرچه نیوتون به‌عنوان دانشمندی پیشتاز در عرصه علوم تجربی و کاشف جاذبه زمین شناخته می‌شود، اما باید دانست نوشته‌هایی که از او درخصوص مسائل الهیاتی کشف شده، حاکی از توجه و

ممارست بسیار او در مطالعات دینی است. ریچارد وستفال (Richard Westfall) می‌نویسد که نیوتون «ظاهراً از تمام مکتوبات الهی‌دان‌های مهمی مانند آگوستین، آتاناسیوس، و اوریجن باخبر بوده... و هیچ اثر مهمی نبوده است که نیوتون آن را مطالعه نکرده باشد» (وستفال، ۲۰۰۷، ص ۱۲۲).

آنچه از زندگی اسحاق نیوتون به بحث ما مرتبط می‌شود، نگاه ویژه او به آموزه تثلیث است. در نگاه نیوتون، پس از اینکه در قرن چهارم مسیحیت به قدرت رسید، یکتاپرستی که در کلیسای نخستین به‌خوبی اجرا می‌شد، جای خود را به چندگانه‌پرستی و شرک می‌دهد (همان، ص ۱۲۴).

در این راستا، نیوتون به دو عبارت اشاره می‌کند که مستندات اصلی مسیحیان در اثبات تثلیث به‌شمار می‌آیند؛ حال آنکه طبق بررسی‌های او، این آیات به‌سبب اغراض الهیاتی تغییر یافته و به‌شکلی درآمده‌اند که بیانگر آموزه تثلیث باشند. او در نامه‌ای که با عنوان «دو تحریف مهم در کتاب مقدس» (Two Notable Corruptions of Scripture) به جان لاک (John Locke) فیلسوف مسیحی معاصر خود می‌نویسد، آیات ۱ یوحنا ۵: ۷ و ۱ تیموتائوس ۳: ۱۶ را آیتی می‌داند که در نگاه او تغییر یافته‌اند تا بتوان از آن به‌عنوان مؤیدی بر آموزه «تثلیث» بهره برد. وی همچنین در نامه دیگری از ۲۶ آیه الحاقی نام می‌برد که همگی به‌منظور تأکید بر آموزه تثلیث به کتاب مقدس اضافه شده‌اند (همان، ص ۱۹۹).

البته از آنجاکه در آن زمان انکار تثلیث نوعی ارتداد و انحراف از عقیده راستین به‌شمار می‌آمد، نیوتون در ابراز اعتقاد خود بسیار محتاط بود و هیچ‌گاه نگاه خود درباره تثلیث را به‌صورت علنی مطرح نمی‌کرد (همان، ص ۲۰۰) تا اینکه یادداشت‌های او پس از وفاتش انتشار یافتند و همگان از اعتقاد او باخبر شدند.

۲-۴. بارت ارمن و نقد نسخه‌شناسی عهد جدید

بارت ارمن (Bart Ehrman) از جمله برجسته‌ترین محققان در عرصه نقد نسخه‌شناسی عهد جدید در عصر حاضر به‌شمار می‌آید که نتایج تحقیقات او نه‌تنها در عالم مسیحیت، بلکه در میان مسلمانان نیز شهرت یافته است و نوشته‌های او را می‌توان عامل محرکی برای آغاز نقد نسخه‌شناسی قرآن کریم دانست.

ارمن در کتاب *نقل قول نادرست از عیسی* (Misquoting Jesus)، کتابی که در فهرست کتاب‌های پرفروش نیویورک تایمز نیز قرار گرفته است، به بررسی نقد نسخه‌شناسی عهد جدید می‌پردازد و چنان‌که عنوان کتاب او نیز مشعر به آن است، در نگاه او، نسخه‌برداران عهد جدید در طول تاریخ این متن را تغییر داده‌اند تا اینکه نهایتاً متن عهد جدید با شکل امروزی آن به‌دست ما رسیده است.

در نگاه بارت ارمن، متن عهد جدید دستخوش دو نوع تغییر عمدی و سهوی شده است. در نگاه او، در برخی بخش‌ها نسخه‌برداران عهد جدید به‌سبب اغراض خود، متنی را که استسخام می‌کردند، تغییر داده‌اند. ارمن چنین تغییرات عمدی را نیز به دو بخش تقسیم می‌کند: الف) تغییرات بدون اغراض الهیاتی؛ ب) تغییراتی به‌سبب اعمال اغراض الهیاتی.

از جمله آیاتی که بارت /ارمن نیز آنها را آیاتی تغییر یافته برای حصول اغراض الهیاتی می‌داند، آیاتی است که پیش از این نیز به آن اشاره کردیم: ۱ تیموتائوس ۳: ۱۶ (ارمن، ۲۰۰۶، ص ۱۵۷) و ۱ یوحنا ۵: ۸-۷ (همان، ص ۸۱).

افزون بر این، /ارمن به تغییراتی الهیاتی در عهد جدید اشاره می‌کند که کمتر کسی قبل از او به چنین آیاتی اشاره کرده است. در نگاه بارت /ارمن، مسیحیان قرون نخستین در مواجهه با آیین‌هایی مانند یهودیت و بت‌پرستی و حتی فرقه‌هایی مسیحی مانند گنوسی‌ها، مرقیونی‌ها و ایبونی‌ها، در مواردی متن عهد جدید را تغییر داده‌اند تا از طرفی مانع از این شوند که آیین‌ها و فرقه‌های یادشده بتوانند برای اثبات اعتقاد خود، به عهد جدید تمسک کنند و از سویی دیگر، عهد جدید را به گونه‌ای بازنویسی کنند که بر اصول اعتقادی آنان تأکید داشته باشد (همان، ص ۱۵۱). در این راستا، /ارمن به عناوینی مانند «آیات تغییر یافته بر ضد یهودیان»، «آیات تغییر یافته بر ضد گنوسی‌ها»، «آیات تغییر یافته بر ضد دوستیست‌ها» و... اشاره کرده، بر اساس آن ادعا می‌کند که متن امروزی عهد جدید قابل اعتماد نیست و معتبر شمرده نمی‌شود. پیرنگ شدن چنین ادعاهایی در خصوص عدم اعتبار نسخه‌شناسی عهد جدید، محققان مسیحی را بر آن داشت تا قرآن را نیز با این اسلوب بررسی کنند.

۳. نقد نسخه‌شناسی و قرآن

برخی محققان غربی پس از پذیرش غیرقابل قبول بودن دیدگاه سنتی کلیسا در خصوص خطانپذیری کتاب مقدس و یافته‌های جدید نقد نسخه‌شناسی مبنی بر ورود تغییراتی جدی در متن عهد جدید، در رویکردی جدید تلاش بر این داشتند که نشان دهند وجود چنین تغییراتی در متن عهد جدید، اعتبار این کتاب را زیر سؤال نمی‌برد؛ چراکه اگر قرآن کریم را نیز با استفاده از نقد نسخه‌شناسی مورد بررسی قرار دهیم، همان ایراداتی که به عهد جدید وارد است، به قرآن کریم نیز وارد خواهد بود و اگر قرار باشد کتاب مقدس مسیحیان را به چنین علتی فاقد اعتبار بدانیم، قرآن نیز به‌عنوان متن مقدس مسلمانان فاقد اعتبار خواهد بود.

۳-۱. کیت اسمال و نقد نسخه‌شناسی قرآن

گرچه /استیفانوس در قرن شانزدهم میلادی اولین شخصی به‌شمار می‌آید که اختلاف نسخه‌های کتاب مقدس و عهد جدید را جمع‌آوری کرده است، اما به‌نظر می‌رسد که قرآن‌پژوهان مسلمان پیش از این به بررسی و تدقیق نظر درباره اختلاف نسخه‌های قرآن کریم پرداخته‌اند. در این راستا می‌توان به کتابی با عنوان *اختلاف مصاحف الامصار* از تألیفات قرون سوم و چهارم هجری نام برد که گرچه در طول تاریخ از بین رفته و برای ما باقی نمانده است، اما طبق گزارش‌های به‌جامانده، این کتاب به بررسی اختلافات موجود میان نسخه‌هایی که در آن زمان وجود داشته‌اند، می‌پردازد و مواردی از اختلاف میان نسخه‌های خطی قرآن کریم در شهرهای ممالک اسلامی را برمی‌شمارد. چنین مجموعه‌ای را می‌توان یکی از قدیمی‌ترین تلاش‌های مسلمانان در راستای نقد نسخه‌شناسی قرآن و وسواس و

دقت نظر آنان درخصوص چگونگی انتقال این کتاب به‌شمار آورد.

درعین‌حال، نقد نسخه‌شناسی قرآن با گستردگی امروزی آن پیشینهٔ چندانی ندارد و حتی برخی قرآن‌پژوهان، قرن حاضر را زمان پیدایش این‌گونه مطالعات معرفی می‌کنند. در این زمینه شاید بتوان به‌کیت اسمال (Keith Small)، محققى از مرکز مطالعات اسلامى مدرسهٔ الهیات لندن، اشاره کرد که در کتاب خود با عنوان *نقد نسخه‌شناسی و نسخه‌های خطی قرآن* (Textual Criticism and Quran Manuscripts)، در سال ۲۰۱۱م به نقد نسخه‌شناسی قرآن کریم می‌پردازد.

اسمال در کتاب خود بیان می‌کند که در اجرای قواعد نقد نسخه‌شناسی بر روی قرآن، در برخی بخش‌ها از نقد نسخه‌شناسی عهد جدید الهام گرفته است (اسمال، ۲۰۱۱، ص ۷) و البته در بیشتر بخش‌های کتابش صرفاً به بررسی آیات ۳۵ تا ۴۱ سورهٔ مبارکهٔ ابراهیم علیه السلام و نسخه‌هایی که از این آیات در دست داشته است، می‌پردازد. ازاین‌رو، چنان‌که خود او نیز اعتراف می‌کند، گرچه کتاب او را می‌توان آغازی بر نقد نسخه‌شناسی قرآن دانست، اما این اثر فاقد جامعیت است و تنها نسخه‌های خطی بخشی از قرآن کریم را بررسی کرده است (همان، ص ۷۷).

اسمال معتقد است که آنچه *بارت ارمس* بر روی عهد جدید انجام داده، درحقیقت به‌صورتی جدی‌تر بر روی قرآن قابل بحث و بررسی است و ازهمین‌رو *اسمال* نیز در کتاب خود، ساختاری مشابه ساختار کتاب *نقل قول اشتباه از عیسی* را اتخاذ کرده و به بررسی تغییرات سهوی و عمدی ایجادشده توسط نسخه‌برداران می‌پردازد.

طبق بیان *اسمال*، او در نگارش کتاب خود به‌دنبال تمرینی برای اجرای قواعد نقد نسخه‌شناسی بر نسخه‌های خطی قرآن است و دو هدف اساسی را در این کتاب دنبال می‌کند: الف) بازیابی متن اصلی قرآن؛ ب) بررسی تکاملات تاریخی این متن (همان، ص ۱۶۱). ازجمله عناوینی که وی در مورد قرآن کریم بررسی می‌کند، می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:

۱-۳. تفاوت در رسم‌الخط

اسمال قسمتی از کتاب خود را به بررسی اختلافات رسم‌الخطی در نسخه‌های قرآنی اختصاص داده است؛ برای مثال، در مورد تفاوت سبک نگارشی نام‌هایی مانند «براهیم» و «سحاق»، حالات متفاوتی را که این اسامی به آن صورت نوشته شده‌اند، بیان می‌کند؛ مانند مواردی که حرف «ی» از کلمه حذف شده است؛ مانند: «برِهم» (همان، ص ۵۵۵۲).

اسمال بخش زیادی از کتاب خود را به بحث دربارهٔ اختلاف رسم‌الخطها اختصاص داده است، اما ازآنجاکه این مبحث ثمرهای در اعتبارسنجی متن قرآن ندارد، گفت‌وگوی چندانی در این خصوص نخواهیم داشت و خود او نیز در انتهای این بخش از کتاب خود و پس از بحث مفصل دربارهٔ تفاوت‌های رسم‌الخطی در شیوهٔ نگارش برخی اسامی، بیان می‌کند که به‌احتمال زیاد این تفاوت‌ها امری رایج و مورد قبول بوده‌اند و به این دلیل است که نسخه‌برداران قرآن این کلمات را اصلاح نمی‌کرده‌اند (همان، ص ۵۷۵۶).

۲-۱-۳. تغییرات غیر عمدی در نسخه‌های قرآنی

شاید بتوان گفت که در نسخه‌های خطی هر کتابی اختلافاتی وجود دارد که بیشتر به سبب بی‌دقتی و به‌طور ناخواسته وارد متن این نسخه‌ها شده است. نسخه‌های خطی قرآن کریم نیز از این امر مستثنا نیستند و اختلافاتی به دلیل خطای نسخه‌برداران وارد متن این نسخه‌ها شده است که بعضاً این خطاها توسط اشخاصی که بعدها این متون را مطالعه می‌کردند، تصحیح شده‌اند. *کیت/اسمال* (به دنباله‌روی از *بارت/ارمن* در نقد نسخه‌شناسی عهد جدید) در کتاب خود پس از بیان تفاوت‌های رسم‌الخطی در شیوه نگارش برخی اسامی، به بیان نمونه‌هایی در نسخه‌های خطی قرآن می‌پردازد که به سبب خطای نسخه‌بردار، آیات قرآن مورد تصحیف قرار گرفته و به شکل نادرستی به نگارش درآمده‌اند، که برخی از این موارد را در این بخش ذکر خواهیم کرد.

الف) حروف اضافه

از جمله اختلافاتی که *کیت/اسمال* در نسخه‌هایی که شخصاً بررسی کرده و با آن مواجه شده است، می‌توان به آنچه در آیه ۴۰ سوره ابراهیم آمده، اشاره کرد: «رَبُّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَ تَقَبَّلْ دُعَاءِ». براساس مشاهده *اسمال*، در نسخه خطی استامبول، نویسنده در هنگام نگارش کلمه «ذُرِّيَّتِي»، یک دندان بیشتر برای این کلمه گذاشته و آن را به این صورت به نگارش درآورده است؛ همچنین در نسخه خطی BNF 370a که در پاریس نگهداری می‌شود، نویسنده این نسخه به هنگام نگارش آیه، کلمه «دعا» را به صورت «لادعا» به نگارش درآورده و البته در آیات قبل از این آیه نیز نسخه‌بردار دچار اشتباهات مشابهی در حین نگارش شده است که *اسمال* به این موارد اشاره می‌کند.

ب) نقطه‌گذاری نادرست

چنان‌که می‌دانیم، قدیمی‌ترین نسخه‌های خطی قرآن کریم فاقد اعراب و اعجام بوده‌اند و این امر زمینه نقطه‌گذاری و اعراب‌گذاری نادرست توسط اشخاص بعدی را به وجود می‌آورده است. از جمله این موارد، می‌توان به نسخه‌ای خطی از قرآن کریم با نام BNF 334c اشاره کرد که در پاریس نگهداری شده و طبق مشاهده *کیت/اسمال*، در این نسخه آیه ۳۷ سوره ابراهیم به این شکل نوشته شده است: «رَبَّنَا اِنِّیْ اَسْکَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي رَرْعٍ» (همان، ص ۶۵). چنان‌که در این آیه مشاهده می‌کنید، نقطه حرف «ز» به سبب خطای نسخه‌بردار در جایی نادرست قرار گرفته است، اما این تغییر را نمی‌توان تغییری عمدی به‌شمار آورد و البته در این نسخه، در جای دیگری نیز طبق مشاهده *اسمال*، کلمه «المحرم» با نقطه‌ای اضافه به صورت «المجرم» به نگارش درآمده است که این مورد نیز نوعی تغییر غیر عمدی به‌شمار می‌آید (همان، ص ۶۶)؛ زیرا این تغییرات، معنای جدیدی در آیه به وجود نیاورده و فقط سبب ابهام و مشوش شدن آیه شده‌اند که این خود دلیلی بر غیر عمدی بودن این تغییرات است.

ج) جاافتادگی حروف و کلمات

از دیگر تغییرات غیر عمدی که در نسخه‌های خطی قرآن کریم نیز به چشم می‌خورد، می‌توان به «جاافتادگی»

(Haplography) برخی حروف یا کلمات اشاره کرد. برای مثال، در نسخه خطی BNF 326a، در آیه ۳۷ از سوره مبارکه ابراهیم، به جای کلمه «لیقیموا»، کلمه «لقموا» به نگارش درآمده که در اینجا حرف «ی» جا افتاده است (همان، ص ۶۶)، اما فارغ از این موارد که یک حرف از عبارت جا افتاده است، زمانی که کیت/اسمال می خواهد آیاتی را که کلمات یا عبارتی از آن جا افتاده است ذکر کند، می گوید در نسخه هایی که او بررسی کرده، مورد خاصی در این زمینه مشاهده نکرده است، جز یک مورد در نسخه های خطی به نام BNF 340c که در آن، کلمه «ذی» در عبارت «بواد غیر ذی زرع» جا افتاده است و البته این امر تغییری در معنای آیه به وجود نمی آورد (همان، ص ۶۷) و شاید سبب جا افتادن این کلمه نیز همین امر بوده است.

در ادامه، کیت/اسمال اعتراف می کند که در سنت های مکتوب قدیمی (از جمله عهد جدید)، عموماً مواردی یافت می شود که برای مثال چندین کلمه توسط نسخه بردار جا افتاده است؛ حال آنکه در نسخه هایی از قرآن کریم که او بررسی کرده، چنین چیزی یافت نشده است و این خود از دقت بالای نسخه برداران قرآن به هنگام استنساخ این کتاب حکایت دارد (همان).

۳-۱-۳. تغییرات عمدی در نسخه های قرآن

چنان که قبلاً هم اشاره شد، یکی از اهداف مستشرقان و مبشران مسیحی که در حیطه نقد نسخه شناسی قرآن کریم وارد شده اند، این بوده است که نشان دهند اشکالاتی که برخی از محققان به نسخه شناسی عهد جدید وارد دانسته اند، در مورد قرآن کریم نیز قابل طرح است و اگر قرآن را نیز با این خط کش بررسی کنیم، قرآن نیز با چالش مواجه خواهد شد؛ و از آنجاکه مهم ترین اشکال بارت/ارمن به فرایند نسخه برداری عهد جدید، اعمال تغییراتی الهیاتی در فرایند استنساخ عهد جدید بوده،/اسمال نیز در تلاش بوده است که نشان دهد نسخه برداران قرآن کریم نیز به جهت اغراض الهیاتی، در تلاش برای تغییر برخی آیات قرآن کریم بوده اند و به این جهت، سرفصلی با عنوان «قراءات متفاوت شیعیان» (Shi'ite variants) را در کتاب خود مطرح می کند و مدعی است که برخی آیات قرآن، به سبب اغراض سیاسی یا الهیاتی تغییر یافته اند (همان، ص ۱۱۹).

یکی از مواردی که در این زمینه /اسمال به آن اشاره می کند، آیه ۴۱ از سوره مبارکه ابراهیم است که به دو شکل در نسخه های خطی باقی مانده از قرآن کریم نوشته شده. این آیه طبق رسم الخط عثمان طه بدین شکل آمده است: «رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ»، اما این آیه در نسخه های که /اسمال از آن سخن می گوید، با کلمه «ولولدی» به نگارش درآمده است، که کیت/اسمال این مورد را تغییری شیعی بر قرآن کریم به حساب می آورد و علت آن در نگاه او این است که در منابع شیعی بارها و بارها از این قرائت به عنوان دلیلی بر فضیلت علی علیه السلام و فرزندانش استفاده شده است و به این دلیل در نگاه /اسمال، این قرائت توسط شیعیان به وجود آمده است تا در مجادلات کلامی آنها با اهل سنت به آنان یاری رساند، اما این دیدگاه /اسمال مبنای علمی و دقیقی ندارد و حتی خود او در ادامه این بحث اقرار می کند که اولاً این تغییرات را لزوماً نمی توان تغییرات اعمال شده توسط

شیعیان در متن قرآن دانست؛ چراکه چنین قرائتی در منابع اهل سنت هم معتبر شمرده شده است (همان، ص ۱۲۰-۱۲۱). از جمله منابع اهل سنت که چنین قرائتی را قرائت صحیح دانسته‌اند، می‌توان به **تفسیر کشاف** اشاره کرد که چهار نوع قرائت را برای این آیه ذکر می‌کند: «وَلَوْلَادَى»، «وَلَوْلَادَى»، «وَلَوْلَادَى» (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۵۶۲)؛ ثانیاً/اسمال بیان می‌کند که حتی این تغییر نیز تأثیر بسزایی در معنای آیه ندارد و تغییری جدی در محتوای آیه ایجاد نمی‌کند (همان، ص ۱۲۲). از این رو می‌توان گفت که گرچه او تلاش داشته است تا با استفاده از سبک *بارت/ارمن* در نقد نسخه‌شناسی عهد جدید، قرآن را هم مورد بررسی قرار دهد، اما خود او نیز به ضعف استدلال‌هایی که بیان کرده است، اقرار دارد.

۳-۱-۴. پالمپسیست‌های قرآن، دلیلی بر استانداردسازی قرآن

این امر در میان پژوهشگران مسلمان و مستشرقان مورد اتفاق است که در میان نسخه‌های خطی قرآن کریم، یکپارچگی بالایی وجود دارد، اما برخی مستشرقان زمانی که با این یکپارچگی آیات قرآن مواجه می‌شوند و از طرفی مشاهده می‌کنند که در میان نسخه‌های خطی عهد جدید اختلافات بسیاری وجود دارد، تلاش می‌کنند تا یکپارچگی نسخه‌های قرآنی را به‌شکلی توضیح دهند و تفسیر کنند که نه تنها این یکپارچگی به‌عنوان نقطه قوتی برای قرآن به حساب نیاید، بلکه به‌نحوی این امر را زمینه تقیص به فرایند انتقال قرآن می‌شمرند و *کیت/اسمال* را می‌توان یکی از این دسته پژوهشگران دانست.

در *اعتقاد/اسمال*، گرچه شاید کسی فقدان اختلاف جدی در میان نسخه‌های قرآنی را به‌سبب انتقال یافتن دقیق و بی‌خطای قرآن توسط نسخه‌برداران به حساب آورد، اما این نگاه نمی‌تواند صحیح باشد؛ چراکه در منابع اسلامی روایات بسیاری وجود دارد که از اختلاف میان مصاحف صحابه سخن می‌گویند و نیز چنان‌که در تاریخ می‌خوانیم، عثمان و حجاج به‌سبب اختلافات گسترده‌ای که در شکل صحیح قرآن به‌وجود آمده بود، پروژه یکسان‌سازی مصاحف را کلید زدند و نسخه‌های معارض با نسخه‌ای را که تهیه کرده بودند، از بین بردند (همان، ص ۱۷۳).

مستندی که این دسته از محققان از میان نسخه‌های خطی قرآن برای کلام خود ارائه می‌کنند، مربوط به نسخه‌های خطی کشف‌شده در سال ۱۹۸۱م در صنعت است. اکتشاف این نسخه‌های قرآنی موجب بحث‌های بسیاری در مجامع آکادمیک شد؛ زیرا این نسخه‌ها دربردارنده دو لایه متن از قرآن بودند که تاریخ نگارش متن فوقانی آن به قرن هفتم یا نیمه اول قرن هشتم میلادی بازمی‌گردد و طبعاً متن زیرین در زمانی پیش از آن نوشته شده و طبیعتاً متنی بسیار قدیمی بوده است (هولنبرگ، راج و اسمیت، ۲۰۱۵، ص ۱۲) و این متن قدیمی در برخی بخش‌ها که قابل خواندن است، متنی متفاوت با قرآن امروزی را دربرداشته و ردپایی از اصلاح شدن متن قرآن در برخی بخش‌های آن وجود دارد.

علت وجود دو لایه از متن در این‌گونه نسخه‌ها این است که در گذشته به‌دلیل کمیابی و هزینه بالای تأمین مواد اولیه برای نگارش، در صورت عدم نیاز به یک متن، برای نگارش متنی جدید بر روی آن پوست حیوان، متن

نگاشته شده بر روی نسخه‌های قدیمی را با تراشیدن پاک می‌کردند و متن جدید را بر روی آن پوست می‌نوشتند؛ و از آنجاکه گاهی متن قدیمی‌تر به‌خوبی پاک نشده و همچنان قابل تشخیص و خواندن بود، این نسخه‌ها با عنوان علمی متفاوتی شناخته شده، عنوان «پالمپسیست» (Palimpsest) بر آنها اطلاق می‌شود؛ لغتی که ریشه در زبان یونانی دارد و به معنای «خراشیده‌شده» است (هولنبرگ، راخ و اسمیت، ۲۰۱۵، ص ۱۹).

چنان که اشاره شد، برخی مستشرقان، مانند کیت اسمال، وجود پالمپسیست‌های قرآنی را دلیلی بر این امر می‌دانند که در سال‌های ابتدایی ظهور اسلام جریانی گسترده برای استانداردسازی متن قرآن به‌وجود آمد و به این دلیل نسخه‌هایی که متنی متغایر با متن استاندارد قرآن در برداشتند، مورد تصحیح قرار گرفتند تا متونی که متغایر با اعتقادات و نیز تفکرات سیاسی حاکم بر جامعه بود، حذف شوند (اسمال، ۲۰۱۱، ص ۹۷).

۳-۲. پالمپسیست‌های صنعا، نسخه‌های رسمی قرآن یا یادداشت‌های آموزشی

زمانی که به مطالعه تاریخ دوران ابتدایی ظهور اسلام می‌پردازیم، اهتمام پیامبر اکرم ﷺ و مسلمانان به حفظ و پاسداری از قرآن کریم به‌وضوح رخ می‌نماید و از این روست که در میان صحابه، اشخاصی که بقره و آل عمران را می‌آموختند، از جایگاه بالایی در جامعه مسلمانین برخوردار بودند (سیوطی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲۲۵-۲۲۶) و نیز طبق نقل تاریخ، زمانی که پیامبر اکرم ﷺ در هنگام ورود به مسجد با دو گروه از مؤمنان مواجه شدند که یک گروه مشغول عبادت و گروهی مشغول تعلیم و تعلم بودند، به گروهی پیوستند که در حال تعلیم و تعلم بودند و در تأکید بر لزوم علم‌آموزی فرمودند: «بِالتَّعْلِيمِ أُرْسِلْتُ» (مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۱، ص ۲۰۶).

چنین اهمیتی بر حفظ و قرائت قرآن کریم موجب شده است که برخی محققان، مانند اسماء هلالی (Asma Helali)، پالمپسیست‌های صنعا را متونی به‌شمار آورند که به‌احتمال زیاد برای تعلیم و تعلم قرآن توسط مسلمانان نخستین مورد استفاده بوده است و می‌توان آنها را نسخه‌هایی آموزشی نامید. مقصود از آموزشی بودن این متون آن است که این نسخه‌ها برای فراگیری قرآن توسط دانش‌آموزان استفاده می‌شدند و نباید آنها را نسخه‌هایی کامل از قرآن به‌شمار آورد که شکل متفاوتی از قرآن امروزی را در برداشته‌اند. از جمله قرائتی که موجب شده است تا هلالی این نسخه‌ها را نسخه‌هایی آموزشی به‌شمار آورد، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۳-۲-۱. دستورهای مربوط به شیوه صحیح قرائت

در خط هفتم از صفحه پنجم این پالمپسیست‌ها، عبارات پایانی سوره انفال قرار دارد که خطی صاف پایان این سوره و آغاز سوره بعد، یعنی سوره توبه را مشخص می‌کند. طبق بررسی‌های هلالی، گرچه سوره توبه تنها سوره‌ای از قرآن کریم است که با عبارت «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» آغاز نشده، اما در متن زیرین این پالمپسیست، سوره توبه در خط نهم با عبارت «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» آغاز شده است و عبارت دیگری نیز در این سطر وجود دارد که تا حدی پاک شده است، اما طبق مشاهده و فهم هلالی، عبارت پاک‌شده چنین بوده است: «لَا تَقُلْ بِسْمِ اللَّهِ»؛ به این معنا که «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را نخوان (هولنبرگ، راخ و اسمیت، ۲۰۱۵، ص ۲۴).

هلالی با استناد به این مشاهده، بیان می‌کند که نمی‌توان متن فوقانی و زیرین را نوشته‌شده توسط یک نفر دانست؛ چراکه معقول نیست شخصی «بسم الله» را بنویسد و بعد بگوید که «بسم الله» را قرائت نکنید. از این رو هلالی نسخه‌های پالمپسیستی صنعا را نسخه‌هایی تعلیمی به‌شمار می‌آورد؛ به این معنا که در نگاه او، این نسخه‌ها برای تعلیم و تربیت و دانش‌افزایی قرآنی مسلمانان استفاده می‌شدند و شخص قرآن‌آموزی که در ابتدا این متن را نوشته، به‌نادرست و طبق عادت همیشگی، در آغاز سوره «بسم الله الرحمن الرحیم» را آورده و بعداً شخصی دیگر این خطا را اصلاح کرده است. در نتیجه، آنچه در مورد نسخه‌های پالمپسیستی صنعا باید دانست، این است که این نسخه‌ها را نباید متن قرآنی مورد تأیید جامعه مسلمانان دانست و اینکه اشخاصی مانند کیت اسمال بخواهند این‌گونه تفاوت‌های موجود در نسخه‌های خطی صنعا را دلیلی بر استانداردسازی قرآن تلقی کنند، خلاف قرائن موجود در این نسخه‌هاست.

۲-۳. خطاها و اصلاحیه‌ها

دلیل دیگر هلالی بر اینکه نسخه‌های صنعا برای تعلیم و تربیت قرآن‌آموزان استفاده می‌شده، خطاها و اصلاحیه‌هایی است که در متن زیرین این پالمپسیست‌ها به‌چشم می‌خورد. در متن زیرین پالمپسیست‌های صنعا مواردی وجود دارد که نویسنده در شیوه نگارش و رسم‌الخط دچار خطا شده است و خود او (نه نویسنده‌ای دیگر) این رسم‌الخط را اصلاح می‌کند. برای مثال، در آیه ۶۱ سوره احزاب، شخصی که این متن را به‌نگارش درآورده، کلمه «تقفوا» را به‌نادرست «ثقفوا» نوشته و بعد خود او آن را اصلاح کرده است.

هلالی این مشاهده را دلیلی بر این می‌داند که این نسخه توسط نسخه‌نویسی حرفه‌ای استنساخ نشده است، بلکه با توجه به قرائن دیگر باید گفت که متن زیرین این نسخه‌ها توسط قرآن‌آموزانی به‌نگارش درآمده است که گاهی خطاهای خود را نیز اصلاح می‌کرده‌اند.

البته در انتهای هلالی خود اشکال این نظریه را بیان می‌کند و آن اینکه هزینه بالای تهیه پوست حیوان برای نگارش، این تصور را که بتوان از این برگه‌ها برای تعلیم و تربیت استفاده کرد، کمی دشوار می‌کند (هولنبرگ، راج و اسمیت، ۲۰۱۵، ص ۲۷)، اما به‌نظر می‌رسد با توجه به اهمیتی که جامعه اسلامی به تعلیم و تربیت قرآن‌آموزان داشته و اینکه تمام هویت اسلامی مردم آن زمان در حفظ و قرائت و تعلیم و تعلم آن خلاصه می‌شده است، هیچ بعید نیست که صحابه پیامبر اکرم ﷺ دارایی‌های خود و پوست حیواناتی را که در اختیار داشته‌اند، صرف قرآن‌آموزی کنند. با توجه به این قرائن، هیچ بعید نیست که بگوییم جامعه اسلامی که تمام هویت خود را در حفظ و قرائت قرآن می‌دیده، چنین هزینه‌هایی را بر خود لازم دانسته و این نسخه‌ها را برای قرآن‌آموزان فراهم می‌آورده است.

با توجه به آنچه گفته شد، نهایتاً جمع‌بندی ما درخصوص نسخه‌های پالمپسیستی صنعا این است که دست‌کم بخشی از این نسخه‌ها نسخه‌هایی بوده‌اند که برای تعلیم قرآن استفاده می‌شده‌اند و بررسی خطاهای موجود در این نسخه‌ها خود شهادتی بر این مدعاست و نمی‌توان این‌گونه خطاها را دلیلی بر مدعای باطل برخی دانست که پیش

از توحید مصاحف عثمان، نسخه‌های متفاوتی با قرائت‌های متفاوت در جامعه اسلامی مورد استفاده بوده است و نهایتاً نسخه عثمان با هدف استانداردسازی و تطبیق آیات قرآن با الهیات و اعتقاداتی خاص تهیه و در اختیار جامعه مسلمین قرار داده شده است.

۳-۳. ارمن و نقد نسخه‌شناسی قرآن

گرچه *اسمال* و بسیاری از مستشرقان معاصر در بررسی نسخه‌های خطی قرآن، از *بارت/ارمن* الهام گرفته و تلاش داشته‌اند تا آنچه را *ارمن* در مورد عهد جدید مطرح کرده است، درخصوص قرآن کریم هم مطرح کنند، اما به نظر می‌رسد که *بارت/ارمن* درخصوص مقایسه نسخه‌های خطی قرآن و عهد جدید نگاهی متفاوت دارد؛ زیرا او در وبلاگ شخصی خود در مقایسه‌ای بین نسخه‌های قرآنی دانشگاه بیرمنگهام و نسخه‌های خطی عهد جدید بیان می‌کند که این نسخه‌های خطی قرآن احتمالاً مربوط به زمان حیات پیامبر اسلام ﷺ یا اندکی پس از رحلت ایشان بوده است، اما در مورد عهد جدید باید دانست که قدیمی‌ترین نسخه‌هایی که در دست داریم، مربوط به سال دویست میلادی، یعنی ۱۷۰ سال پس از عیسی علیه السلام است. اکتشاف این نسخه‌ها حاکی از این است که دست‌کم گروهی از نسخه‌برداران مسلمان اهتمام ویژه‌ای به حفظ متن مقدس خود و عدم تغییر آن داشته‌اند و این امر، خلاف چیزی است که در نسخه‌های خطی مربوط به عهد جدید مشاهده می‌کنیم؛ چراکه نسخه‌های خطی عهد جدید بارها و بارها توسط نسخه‌برداران مورد تغییر و دستبرد قرار گرفته‌اند (*ارمن*، ۲۰۱۵، <https://ehrmanblog.org/the-significance-of-an-astounding-new-discovery/>).

ارمن در ادامه بیان می‌کند که از جمله استدلال‌های مسیحیان در اثبات وثاقت متن عهد جدید این است که عهد جدید به نسبت هر کتاب باستانی دیگری نسخه‌های بیشتری دارد و به این دلیل نمی‌توان در صحت و وثاقت آن خدشه‌ای وارد کرد؛ سپس در نقد این استدلال رایج میان مسیحیان می‌نویسد: اگر بخواهیم با چنین استدلالی حقایق کتاب مقدس را اثبات کنیم، باید اعتراف کرد که قرآن مسلمانان به این دلیل در طول تاریخ با اختلاف نسخه‌های کمتری نسبت به عهد جدید به ما رسیده (دست‌کم توسط برخی نسخه‌برداران)، از اعتبار بیشتری نسبت به عهد جدید برخوردار است؛ چراکه با مطالعه نسخه‌های عهد جدید می‌بینیم که تمام این نسخه‌ها با یکدیگر تفاوت دارند؛ ولی نسخه‌های خطی قرآن کریم از انسجام و یکپارچگی بالایی برخوردارند (همان).

اسمال تلاش داشته است نشان دهد که قرآن کریم نیز به‌مانند عهد جدید در فرایند انتقال از زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا زمان به‌وجود آمدن صنعت چاپ، توسط نسخه‌برداران دستخوش تغییراتی سهوی و عمدی شده است و به این دلیل نمی‌توان آن را متنی اطمینان‌بخش به‌شمار آورد، اما نه تنها مثال‌هایی که او بر استدلال خود اقامه کرده، ناتوان از اثبات این ادعاست، بلکه شواهدی از قبیل اکتشاف نسخه‌های بیرمنگهام نیز خلاف آنچه *اسمال* بیان کرده است، اثبات می‌کند.

نتیجه‌گیری

از آنجاکه تعالیم ادیانی مانند اسلام و مسیحیت بر مبنای متون مقدس آنها شکل می‌گیرد، طبعاً اعتبارسنجی چگونگی انتقال یافتن این کتاب‌ها در طول تاریخ بسیار اهمیت دارد و از همین رو با پایان یافتن قرون وسطی مطالعاتی در زمینه نسخه‌شناسی عهد جدید صورت می‌گیرد که البته براساس این مطالعات، نسخه‌برداران عهد جدید اهتمام چندانی به حفظ این متن نداشتند و در طول تاریخ، بنا بر اغراض الهیاتی، متن کتاب مقدس خود را تغییر داده‌اند که می‌توان مصادیق آن را به‌عنوان شواهدی بر تحریف عهد جدید دانست.

مبشران مسیحی و برخی مستشرقان با مطرح شدن این مباحث درخصوص کتاب مقدس مسیحیان و مشاهده نتایج قابل تأمل آن، در رویکردی نو تلاش می‌کنند که قرآن کریم را نیز با استفاده از اصول و قواعد نقد نسخه‌شناسی مورد بررسی قرار دهند تا اثبات کنند که نه تنها عهد جدید، بلکه متن قرآن نیز به‌سبب تأکید و تبیین اغراض الهیاتی ایمان‌داران، مورد دستبرد قرار گرفته و تغییراتی در آن اعمال شده است، ولی با اینکه درخصوص عهد جدید موارد قابل تأملی از تغییر یافتن متن مقدس به‌سبب تأکید بر آموزه‌های الهیاتی به‌چشم می‌خورد و محققان عهد جدید قرن‌هاست که به این موارد اشاره کرده‌اند، بررسی نسخه‌های خطی قرآن کریم هیچ شواهدی در این خصوص به دست ما نمی‌دهد و حتی نسخه‌شناسان برجسته‌ای مانند بارت/ارمن به یکپارچگی نسخه‌های قرآنی و تعهد بالای نسخه‌برداران مسلمان اعتراف کرده‌اند.

منابع

- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، ۱۲۷۶، *الاتقان فی علوم القرآن، قزوینی، محمد حائری، تهران، امیر کبیر.*
حکیمی، محمدرضا و همکاران، ۱۳۸۰، *الحیاء، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.*
زمخشری، محمود، ۱۴۰۷، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج سوم، بیروت، دار الكتاب العربی.*
مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج دوم، بیروت، دار إحياء التراث.*

Akin, Daniel, 2014, *A Theology for the Church*, B&H Publishing Group.

Bloesch, Donald, 2005, *Holy Scripture revelation, inspiration and interpretation*, Westmont, IVP Academic.

Bowman, Daniel, 2011, *Is Today's Bible The Real Bible?*, Michigan, Institute For Religious Research.

Ehrman, Bart, 2015, *The significance of an astounding new discovery*, <https://ehrmanblog.org/the-significance-of-an-astounding-new-discovery/>.

Ehrman, Bart, 2005, *Misquoting Jesus*, San Francisco, HarperCollins.

Hollenberg, D, Rauch, C. and Schmidtke, S, 2015, *The Yemeni manuscript tradition*, Leiden, Brill.

Metzger, Bruce, Ehrman, Bart, 2005, *The Text of The New Testament*, 4th Edition, United Kingdom, Oxford.

Small, Keith, 2011, *Textual Criticism and Quran Manuscripts*, Lanham, Lexington Books.

Wegner, Paul, 2006, *A Student's Guide to Textual Criticism of the Bible*, Westmont, InterVarsity Press.

Westfall, Richard, 2007, *The life of Isaac Newton*, Cambridge, Cambridge University Press.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی